

ادامه از صفحه ۱۶

خودمداری خشونت‌زای ایرانی

به س‌وال‌تان برگردم وقتی یکی را دایره دوستان خود بیرون می‌کنیم، قادریم جرمی در نسبت با او مرتکب شویم. مسئله اصلی ما همین است و یک نقص جدی در سیستم تربیت ماست و باید آن را برطرف کنیم. ما قادر نیستیم دیگری را تحمل کنیم. در صف بانک و نانوالی و آرتندگی تحمل پایین داریم و خودمداریم. خودمداری هم زمینه خشونت علیه دیگری است.

تجاوز به کودکان مسئله لزوما تازه‌ای نیست. زمانی این مسئله از طرف خانواده قربانی به خاطر ترس از بی‌آبرویی، کتمان می‌شد و صدای قربانی هرگز شنیده نمی‌شد. عده‌ای معتقدند که امروز به‌ای افشای خشونت، شنیده‌شدن صدای افرادی است که مورد خشونت قرار گرفته‌اند و از سوی دیگر این بیان مکرر خشونت انگار همه مؤلفه‌های معايش به انسجام اجتماعی را از بین می‌برد؛ و شایخصه‌های امنیت اجتماعی را متزلزل می‌کند؛ نظر شما دراین باره چیست؟

افشای خشونت و نشان‌دادن مجازات مجرم از نظر من بد نیست و واجب است. نظام قضانی و اطلاع‌رسانی باید کار خودشان را درست انجام دهند و به جامعه نشان بدهند که مجرم به‌هیچ‌وجه در امان نیست. در ماجرای بنیتا-کودکی که دزیده شد و در ماشین جان سپرد- ما حتی جنازه کودک را نیز در اخبار می‌دیدیم؛ درحالی‌که سنت‌های اطلاع‌رسانی به ما اجازه ارائه عکس جنازه را نمی‌دهد. این اصلا به این معنی نیست که باید خشونت و جرم کتمان شود؛ بلکه به این معناست که بیان آن باید سامان داده شود. در‌احلی که کشورهای غربی برای این سامان‌بخشی پیش گرفته‌اند، جالب است. آنها با کمک نرم‌افزارهای sex offender به افشای مجرمان جنسی می‌پردازند و تمام مشخصات و آدرس مجرم به جامعه ارائه می‌شود تا به جلوگیری و بازدارندگی کمک کند. در جامعه ما پیشگیری وجود ندارد. این موضوع است که جرم را دامن می‌زند.

تجاوز به دین و آیین و به بهانه ناامنی طرد می‌شود و گویی همه آشنایان تبدیل به دیگری تهدیدکننده می‌شوند. این ترس حاصل از خشونت، با وفاق ملی ما و تجربه ما»بودن چه می‌کند؟ اگر ما‌زلوبی نگاه کنیم، امنیت اولین مسئله است؛ مابقی فرع بر امنیت است. وقتی من به‌عنوان پدر در جامعه درک کنم نمی‌توانم اعتماد کنم که فرزندم را به کسی بسپارم. این کار را نخواهم کرد و اگر مای جمعی هم شکل نگرفت، مهم نیست؛ من باید بتوانم امنیت فرزندم را حفظ کنم و در این میان اولویت با انسجام اجتماعی و حفاظت از مای جمعی نیست.

آیا فضا تا این حد نگران‌کننده شده است که افراد باید فقط مراقب کلیم خودشان باشند که آب نبرد؟ نه این‌گونه نیست ولی می‌خواهم بگویم موضوع اساسی ما موضوع فعلی ما، امنیت است و مسائل بعدی به نسبت امنیت کاملا فرعی و ثانوی است. البته این هم درست است که بیش از اینکه ناامنی واقعی باشد، احساس ناامنی را تجربه می‌کنیم. ولی اگر توجه نکنیم، این احساس می‌تواند جامعه را درنوردد.

این نتیجه کدام رای‌عرب در جامعه است؟ من همیشه می‌گویم فقدان دولت. دولت به معنی state نه به معنی government. اصولا دولت مدرن دولتی است که افراد اسلحه‌های خود را تحویل دهند. می‌گویند زمانی ازامیرکبیر می‌پرسند آیا دستور دهیم مردم قه‌مه‌ها را بیرون نیاورند؟ می‌گوید نه، قمه داشته باشند، ولی چه کسی وجود دارد قمه را از غلاف بیرون بکشد؟ اما امروز می‌بینم که قه‌مه‌ها را از غلاف بیرون کشیده‌اند. هر چه دولت مقتدرتر، میزان جرم کمتر و جامعه امن‌تر می‌شود. الا‌ن این ذهنیت در مردم شکل گرفته که نهاد دولت، ضعیف است و این برای امنیت اجتماعی خطرناک است.

نهاد‌های مدنی کجای این ماجرا قرار می‌گیرند؟ در فضایی که جامعه خشونت‌زده، متأثر از ترس از خود بیگانه شده و آدم‌ها از هم منفک شده‌اند؛ جامعه مدنی چگونه می‌تواند میانجیگری کند؟ یک زمانی جامعه مدنی بین مردم و حاکمیت قرار می‌گیرد که در این حالت کارکرد درستی خواهد داشت. ولی وقتی وضعیت امنیت ذهنی جامعه ضعیف شده باشد، جامعه مدنی ویژگی دیگری می‌یابد. در چنین حالتی اگر اتفاقی مثل ماجرای آمنه می‌افتد، جامعه مدنی هم خود را صرف بخشش مجرم می‌کند ولی چه اتفاقی می‌افتد؛ اسپیدیاشی کم می‌شود؟ آمنه درمان می‌شود؟ وقتی کارکرد امنیت‌ساز نهاد دولت ضعیف می‌شود، جامعه مدنی شرایطش فرق می‌کند. شما آن‌طور که در سوآلتان آمد، بیشتر غم جامعه‌ای را دارید که به انسجام اجتماعی و مفهوم عمو و همسایه در آن به خطر افتاده و من ترس از جامعه‌ای دارم که همه در آن مسلح شوند؛ وقتی نهاد دولت قوی شد و نهادهای مدنی به کمک دولت توانستند به اوضاع سامان دهند، دغدغه شما موضوعیت می‌یابد. اما فعلا که این ساختارها وجود ندارد.

شرق: این اولین‌بار نیست، آخرین‌بار هم نخواهد بود. حالا که احتمالا هنوز در کانال‌های تلگرامی تصویر دو دختر سرخوشتی که در حال رفتن به محل انتخاب‌شده خود برای خودکشی هستند دست به دست می‌شود، خیلی از آنهایی که ساده‌دلانه به خودکشی به‌عنوان راه‌حل نگاه می‌کنند، ممکن است در فکر تقلید از عمل این دو دختر باشند. درست وقتی که دختر عینکی داخل فیلم را که با حالت تهدید خطاب به شخصی می‌گوید: آن‌قدر خبرم را نگرفتی که این‌بار خبر مرگم را می‌شنوی، در قرارهای دوستانمان عقب و جلو می‌کنیم تا خدایی نکرده هیچ جزئیاتی را در فیلم از دست ندهیم، دختری که روسری زرد به سر دارد، از بیمارستان مرخص می‌شود و خانواده‌اش احتمالا به این فکر می‌کنند که این نوجوان درهم‌شکسته حتی اگر بخواهد زندگی را از سر بگیرد، ما و فیلم کانال‌های تلگرامی‌مان دست از سرشان برنمی‌داریم. آن‌قدر این فیلم‌ها را جابه‌جا می‌کنیم تا یک روز به دست آن دختری برسد که جان‌دادن دوستش را دید و حالا برای اینکه جان سالم به‌دربرده، احساس گناه می‌کند.تحلیل‌هایمان را باید کنار بگذاریم... متأسفانه با خوشخانه قصه این دو دختر آن‌قدر که دلمان می‌خواهد پلیسی نیست که بتوانیم تا مدت‌ها از آن استفاده کنیم و از طرفی ماجرای تجاوز و سوءاستفاده جنسی از این دو دختر را هم باید از گزینه‌های احتمالی روی میز حذف کنید. داستان این دو دختر داستان فقر، سروردگی و تنهایی است. اینها را دکتر بهنام اوحدی، متخصص اعصاب و روان اصفهانی که در دو هفته گذشته روی این خودکشی تحقیق کرده است، به «شرق» می‌گوید.

تهنگ آبی در کارنپود

دکتر اوحدی می‌گوید: «خیلی‌ها شتاب‌زده ماجرا را به تهنگ آبی ربط دادند و سعی کردند با یک نگاه پریهاهو، ماجرا را نقد کنند؛ اما این دلیل نمی‌شود هر خودکشی که مقارن با داستان تهنگ آبی است، دلپیش هم این بازی باشد. در فیلم خودکشی، دو دختر می‌بینیم؛ دختری که عینک به صورت دارد، همان دختری است که بعد از پرت‌شدن از پل فوت می‌کند. این دختر با سر شیرجه رفته و نحوه سقوط او نیز در دوربین‌های اطراف ثبت شده است. شاید به دلیل نحوه شیرجه‌زدن با سر باشد که خودکشی دختر را به تهنگ آبی نسبت داده‌اند؛ اما واقعیت چیز دیگری است؛ یعنی قضیه به این پیچیدگی‌ها هم نیست. پدر و مادر این دختر سال‌ها پیش از هم جدا شده بودند و پدرش زندانی بود و این دختر از خانواده مادری طرد شده و محبتی که بایدو‌شاید را از خانواده پدری دریافت نمی‌کرده است». این متخصص اعصاب و روان می‌افزاید: «دختر منظر همه‌امیدش را به آزادشدن پدر از زندان بسته بود؛ اما با آزادی پدر چیزی عوض نمی‌شود. بعد از مدتی او مجدد معتاد و تمام‌امیده‌ای دختر نقش بر آب می‌شود. پیشینه خودکشی نیز در خانواده درجیک دختر وجود داشته و خود دختر هم چندین‌بار سابقه انجام خودکشی با قرض داشته و مواردی از خودزنی بر بدنش مشاهده شده که نشانه رنج و دردی بوده که در

گزارش یک روان‌پزشک اصفهانی از ماجرای خودکشی ۲ نوجوان در اصفهان

یک خودکشی معمولی

عمر کوتاهش متحمل شده است. در واقع خودکشی‌های پیشین این دختر نیز جدی بوده‌اند». به گفته اوحدی، چیزی که باعث شد این خودکشی رنگ‌وبوی متفاوتی در ایران بگیرد، حالات شادی و سرخوشانه پیش از خودکشی بود. او تصریح می‌کند: «آنها قبل از خودکشی جلوی دوربین حالات سرخوشانه‌ای از خود ثبت کردند و به نوعی آن را در چارچوب نوعی رفتار جدید یا نمادی از بحران هویت با یک خودکشی سرخوشانه کردند. این رفتار، کلیشه‌های ذهنی ما ایرانیان را که به صورت عمومی انتظار داریم کسی که خودکشی می‌کند یا کاملا روان‌پریش باشد یا کاملا افسرده، دگرگون کرد؛ ولی واقعیت این بود که دنیا برای این دختر به اتمام رسیده بود و بی‌اعتمادی ژرفی به والدین خود داشت. با توجه به طردشدن از سمت خانواده مادری و همچنین در نبود پدر، کسی آن‌طور که باید به او مهربانی نمی‌کرد. این دختر بر اساس بی‌پناهی، درماندگی، احساس سرگردانی و بی‌خانمانی زندگی می‌کرد و با اعتیاد پدر بعد از آزادی، تمام امیدهایش بیکاره ناامید شد.

اعتماد به نفس از دست رفته

دکتر اوحدی اضافه می‌کند: «به دختر عینکی توهین‌های بی‌شماری شده بود. در سال‌های زندگی بارها و بارها شنیده بوده که زاییده‌شدنش نحس بوده، به او گفته بودند که به‌محض به‌دنیاآمدنش، زندگی پدر و مادرش فروپاشیده، چیزهایی که در کودکی مدام به بچه سرکوفت زده می‌شود، به‌ویژه داستان قدم نحس، باعث می‌شود اعتمادبه‌نفس فرد از بین برود و فرد احساس گناهی‌کی کند که بعدها روی آن بخوهد عملی را انجام دهد. بگذارید درباره قاتل‌هایی برایتان بگویم که داستانشان هنوز رسانه‌ای نشده. آنها قاتل سرلای کودکان هستند؛ به دلیل اینکه از کودکی خودشان بیزارند. یکی از آنها از کودکی به عنکبوت معروف بوده، در بچگی به او می‌گفتند تو عنکبوت هستی و بچه آن‌قدر این صفت را می‌شنود که ترجیح می‌هد نمود بیرونی داشته باشد و مثل عنکبوت شکار کند. با بچه‌ای که از اول دبستان از سوی معلم طرد می‌شود و کفش‌هایش با کفش‌های چارلی چاپلین قیاس می‌شود و آن بچه برای همیشه با درس، مدرسه و آموزش‌وپروورش چاق‌حافظی می‌کند و قاتلی می‌شود که بعد از قتل، شروع به نوازش جسد می‌کند؛ چراکه حالت انسانی جسد از بین رفته است. این دختر هم به نوعی در وجودش عزت‌نفس و اعتمادبه‌نفس و تصویریش از خویشتن مخدوش شده بود. او را بارها و بارها عامل فروپاشی زندگی پدر و مادرش نامیده‌اند و این منجر به احساس گناه در تمام زندگی‌اش شده بود.

به دختر دوم فکر کنیم

در فیلم منتشرشده، دختر دومی هم هست که به نظر می‌رسد بیشتر به دنبال همراهی با دختر اول است، این مسئله را دکتر اوحدی نیز تأیید کرده و می‌گوید: «دختر عینکی با یکی از دوستانش که در فیلم است همگام می‌شود،

گردشگری سلامت و جایگاه ایران در رده‌بندی جهانی

به دنبال زیبایی در ایران؛ از عمل دماغ تا درمان کچلی



رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

رویترز

منتها دوستش که صحنه فجیع خودکشی دوستش را می‌بیند، به‌نوعی دچار شوک می‌شود و خودکشی را با تردید انجام می‌دهد و با پا می‌پرد و همین باعث زنده‌ماندنش می‌شود و حالا که ما در حال انجام این مصاحبه هستیم او از بیمارستان مرخص می‌شود. او خودش را به عهد وفادار می‌داند و با وجود ترس می‌پرد و اینجا دوباره بحث بحران هویت پیش می‌آید. وضعیت خانوادگی دختر دوم به بدی شرایط دختر عینکی نیست. او هم در خانواده‌اش مشکلاتی داشته و پدر و مادر در بحران طلاق عاطفی بودند. حالا زندگی برای این دختر خیلی سخت خواهد بود و روان‌درمانی و دارودرمانی برای او را نباید فراموش کرد، ولی مهم این است که این فیلم منتشر نشود. این فیلم در موبایل دختر بوده و فقط دست سه نهاد مسئول بوده و سؤال اینجاست که تحت چه فرآیندی این فیلم منتشر شده است. این دختر بعد از اعتیاد پدر رو به ارتباط با یک پسر هم‌سن‌وسالشی می‌آورد، اما آن‌قدر از خودکشی برای او حرف می‌زند و آن‌قدر از افکار خودکشی می‌گوید که پسر دچار هراس از ادامه دوستی شده و این دختر را پس می‌زند و این فرد همان پسر می‌است که در فیلم دختر مدام از او حرف می‌زند. این دو دختر هر دو شکست عاطفی داشته‌اند، اما شکست آنها به سنگینی مشکلات داخل زندگی‌شان نیست و در برابر به‌هم‌ریختگی از خانواده مبدا کم‌رنگ‌تر بوده است. موضوع اینجاست که مطبوعات و کانال‌های تلگرامی نباید قبل از اینکه ابعاد و زوایای مسئله را داشته باشند، شروع به گمانه‌زنی کنند و هرکسی از ظن خود تحلیل بنویسد. خیلی‌ها مسائل را به اتفاقات جنسی مرتبط دانسته و ماجرا را به حرف‌های دختران و شوخی‌های شبه‌جنسی‌شان ربط داده بودند. مشکل آنها اصلا جنسی نبوده، داستانشان روابط جنسی نبوده؛ داستان آنها ازهم‌گسیختگی و فروپاشی کانون خانواده بوده است.»

از شیوع خودکشی بپرهیزیم

دکتر اوحدی این خودکشی را یک خودکشی معمولی می‌داند که متأسفانه تبدیل به یک سوزه و هیاویو رسانه‌ای شد. انتشار بی‌محابای این فیلم‌ها می‌تواند باعث انفجار اپیدمیک خودکشی در سطح جامعه شود. شاید اگر این داستان در این ایام مذهبی رخ نمی‌داد، شاهد رخداد نمونه‌های مشابه بیشتری بودیم. این هشدارِ بی پدر و مادره‌است که زمانی بچه‌دار شوند که هدف داشته باشند و اگر در طلاق عاطفی هستند، بچه را تبدیل به وسیله‌ای برای درمان نکنند. مسئله اینجاست که خود ما چقدر خودمان را در برابری این خودکشی‌ها مسئول می‌دانیم. در جامعه‌ای که این روزها بیمار لایک است، چقدر به این فکر کردیم که بی‌خیال لایک بیشتر شویم و این فیلم را منتشر نکنیم؟ فکر می‌کنید چقدر نف از ما مسئول خودکشی‌های بعدی هستند که ممکن است فیلم‌های آن منتشر شود؟ یا این‌بار باید هیجان بیشتری را متحمل شویم و صحنه خودکشی را به صورت زنده از موبایلمان دنبال کنیم؟

بالا رفت و بار دیگر به ایران آمدم که به من گفتند نیاز به عمل نیست و باید دارو مصرف کنیم. پس از یک سال مصرف دارو برای سومین بار به ایران آمدم که گفتند باید بار دیگر چشم‌ت را جراحی کنی پس از بهبود پزشکان به من گفتند چشم‌ت بهبود پیدا کرده است اما گفتش چند سال هفته پیش بار دیگر چشم‌مانم درد گرفت و مجبور شدم بار دیگر برای درمان به ایران سفر کنم.»

رتبه ایران در تورسیم سلامت

درهمین‌حال رئیس انجمن گردشگری سلامت ایران هم در گفت‌وگویی با «شرق»، درباره جایگاه ایران در حوزه تورسیم سلامت می‌گوید: «براساس ظرفیت‌های منطقه ایران می‌تواند یکی از کشورهای برتر در زمینه تورسیم سلامت باشد. ایران با داشتن ویژگی‌هایی مثل دسترسی آسان به کشور، مهارت پزشکان، وجود تکنولوژی‌های روز دنیا و هزینه‌های کم می‌تواند به یکی از پایگاه‌های تورسیم سلامت در خاورمیانه تبدیل شود». محمد جهانگیری با اعلام این نکات می‌افزاید: «اجرائی دیگر از جذابیت‌های مهم ایران که نقش مهمی در جذب گردشگران خارجی دارد موضوع میهمان‌نوازی مردم و وجود جاذبه‌های گردشگری زیاد است. همین نکات می‌تواند سالانه توریست‌های سلامت زیادی را برای سفر به ایران بکشاند». او در ادامه با بیان اینکه ۴۱ مقصد گردشگری سلامت در دنیا وجود دارد که ایران هم جزء آنهاست، می‌گوید: «ما تلاش کنیم سهم بیشتری از بازار ۱۵۰ میلیارددلاری تورسیم سلامت به دست بیاوریم. فعلا ایران سالانه در این بازار فقط یک میلیارد دلار سهم دارد این در حالی است که کارشناسان با توجه به ظرفیت‌های کشور پیش‌بینی کرده‌اند که ایران با توجه به استعدادهایی که دارد، می‌تواند سهمی نزدیک به هفت میلیارد دلار از این بازار داشته باشد که متأسفانه به دلیل عدم سرمایه‌گذاری در این زمینه و نبود زیرساخت‌های مناسب نتوانسته‌ایم از ظرفیت‌های کشور در این زمینه استفاده کنیم. با توجه به